

خبرها

درخواست دبیران کل احزاب اصلاح طلب از آیت الله شاهرودی برای آزادی موسوی خوئینی



حضرتعالی مستحضرید آقای سیدعلی اکبر موسوی خوئینی نماینده سابق مجلس شورای اسلامی در مجلس ششم و دبیرکل سازمان دانش آموختگان ایران اسلامی (ادوار تحکیم وحدت) بیش از دو ماه است که نامه آمده است: «آنگونه که در بازداشت به سر می برد. از آنجا که مهندس موسوی خوئینی دبیرکل یکی از احزاب رسمی و با مجوز وزارت کشور است ادامه بازداشت ایشان نگرانی های گسترده ای برای فعالیت های مدنی و حزبی در دوره اخیر ایجاد کرده.» در ادامه این نامه آمده است: «ما امضاکندگان این نامه به عنوان دبیران کل تعدادی از احزاب و سازمان های سیاسی فعال کشور با توجه به نحوه برخورد و دستگیری و همچنین شرایط بازداشت و ادامه بازداشت ایشان از جنباعی می‌خواهیم نسبت به آزادی ایشان دستورات لازم را ابلاغ نمایید.» گفتنی است که این نامه به امضای چهره‌های زیر رسیده است: حبیب‌الله پیمان (جنبش مسلمانان مبارز)، عزت‌الله سبحای (فعالان ملی-مذهبی)، اعظم طالقانی (جامعه زنان انقلاب اسلامی)، محسن کدیور (انجمن دفاع از آزادی مطبوعات)، محسن میردامادی (جبهه مشارکت ایران اسلامی)، ابراهیم یزدی (نهضت آزادی ایران)، رحمانقلی قلی‌زاده (مجمع دانش آموختگان ایران)، احمد حکیمی پور(حزب اراده ملت) و حسین مجاهد (حزب جامعه مدنی اسلامی).

محسن آرمین پس از دادگاه: اتهامات مربوط به سال‌های ۷۵ تا ۸۰ است

ایلنا: جلسه رسیدگی به اتهامات محسن آرمین نماینده مجلس ششم صبح دیروز در شعبه ۱۰۸۳ دادگاه عمومی تهران به ریاست قاضی حسینیتان برگزار شد. در ابتدای این جلسه، نماینده مدعی العموم اتهامات آرمین را تبلیغ علیه نظام، توهین به مسئولان و نشر اکاذیب به قصد تشویش افذهان عمومی عنوان کرد و گفت: این پرونده مربوط به قبل از احیای دادرسیاست و از طرف نماینده مدعی العموم وقت (معاون وقت دادگستری کل استان تهران) طرح شکایت شده است و حضور بنده صرفاً به منزله قرائت ادعانامه است. سپس محسن آرمین به دفاع از اتهامات انتسابی پرداخت و ضمن رد این اتهامات گفت: مجموعه اتهامات وارده به بنده در این پرونده اتهاماتی است که از سال ۷۵ تا ۸۰ جمع آوری شده و بسیار متنوع و باحوصله جمع آوری شده است. برخی اتهامات بنده مربوط به اظهارنظرهایی است که در مقام ریاست هیات تحقیق و تفحص مجلس داشتم. آرمین افزود: برخی از اتهامات بنده نیاز به شاکی خصوصی دارد.

پیام تبریک عیدی به میردامادی

ایسنا: «عباس عیدی» طی نامه‌ای انتخاب «محسن میردامادی» را به دبیرکلی جبهه مشارکت ایران اسلامی تبریک گفت. در این نامه خطاب به محسن میردامادی آمده است: «پس از آقای دکتر خاتمی، دبیرکلی جنابعالی بهترین انتخاب ممکن بود که از سوی کنگره نهم به انجام رسید. امید است که جبهه مشارکت به دبیرکل جدید، فصلی نوین را در حیات نه چندان طولانی خود آغاز کند، فصلی که فرود گذشته را پایان برد و سپس گام‌های لازم برای حفظ و انسجام و در نهایت رشد و گسترش برداشته شود. گرچه چنین کاری بس سخت و طاقت فرسا است، اما غیرممکن نیست. اگر جبهه مشارکت خصلت انطباق و انعطاف‌پذیری خود را حفظ کند، طبعاً حصول چنین هدفی قابل تصور است.»

پاسخ عضو مشارکت به انتقادات عضو مؤتلفه

ایسنا: در پی انتقادات شدید اسدالله بادمجانی قائم‌مقام دبیرکل حزب مؤتلفه اسلامی از سخنان محمدرضا خاتمی در کنگره نهم مشارکت، سعید شریعتی، عضو شورای مرکزی و رئیس کمیته اطلاع‌رسانی این جبهه، به این اظهارات پاسخ داد. بادمجانی در اظهارات خود سخنان دبیرکل سابق مشارکت را مشابه اظهارات رایج خوانده بود. «سعید شریعتی» در همین ارتباط توضیح داد: «تعمیم که آقایان تا کی می‌خواهند از این شیوه‌ها رخ نما برای انگ‌زدن به رقبای سیاسی بهره ببرند و به جای آنکه گوش‌هایشان را برای شنیدن سخنان دلسوزانه و مشفقانه باز کنند، چشمانشان را بر حقایق ببندند.»

مشکل کروی در انتلاف

آفتاب: حسین مرعشی‌سخنگوی کارگزاران با تاکید بر ضرورت ائتلاف اصلاح طلبان در انتخابات آینده در خصوص مخالفت با انتلاف از سوی اعتماد ملی گفت: «انتلاف نکردن از اصلاح طلبان مصوبه تشکیل‌ارت حزب اعتماد ملی نیست، این موضوع برداشت شخصی آقای کروی است که ممکن است تغییر یابد. اما نباید فراموش شود که حزب اعتماد ملی بخشی از اصلاح طلبان است و نمی‌شود آن را نادیده گرفت. بنابراین امیدواریم که آنها هم به این انتلاف بپیوندند.» وی همچنین در پاسخ به این پرسش که «آیا شما تاکنون رایزنی با اعتماد ملی یا کروی برای راضی کردن ایشان به انتلاف داشته‌اید» گفت: «ما جلساتی با شخص آقای کروی داشته‌ایم. ایشان نقطه‌نظراتی دارند و البته انتلاف را هم کاملاً رد نمی‌کنند. مشکل ایشان با برخی از گروه‌ها است.»

غرض ما از این نوشتار اثبات این مدعاست که به کمک اسطوره رستم و سهراب می‌توان بخشی از تاریخ معاصر را مورد بررسی قرار داد و درس فراوان از آن گرفت. این درس بر این نکته مبتنی است که سهراب اراده گرایانه و بی تجربه می‌خواهد حاکمان جهان را نابود کند و رستم که پدر سهراب است و تجربه فراوان دارد، می‌داند که آیین سروری و پهلوانی دو امر متفاوت است و در تمدن بزرگ ایرانی، حاکم، پیامبر، پهلوان و نظامی از یکدیگر جدا هستند، هر چند سایرین می‌توانند بر رفتار حاکم تاثیر بگذارند، اما سهراب قصد دیگری داشت و رستم محافظه‌کارتر از آن بود که بتواند با پسر گفت‌وگو کند و سهراب عجول‌تر از آن که سهراب را یادآور و به تجربه تن دهد. در تاریخ معاصر ما رادیکال‌ها بر پدران خود شوریده‌اند اما درکشمکش رادیکال‌ها با لیبرال‌ها و دموکرات‌ها با آزادیخواه‌ها این ناپذری است که حاکم شده و به پدر و پسر رحم نکرده است. به عبارتی کیکاووس حاضر نیست که نوشدرو به سهراب بدهد، چون از اتحاد پدر و پسر ناراحت و نگران است و کیان خود را در خطر می‌بیند. به دیگر سخن در اسطوره رستم و سهراب، پسر به دست پدر کشته می‌شود و افرادی اعم از افراسیاب و کیکاووس از این مرگ نصیب می‌برند. در کشمکش میان آزادیخواهان و دموکرات‌های رادیکال، نیروهای قبل از دموکراسی سود می‌برند. این نیروها شامل سلطنت طلبان و بخشی از سنتی‌ها بوده‌اند. حال چگونه می‌توان به این داستان پایان داد و اسطوره‌ای دیگر خلق کرد.

■ اسطوره رازنمون امر واقع

سهراب پهلوان است، اما درس‌نماوخته و به‌جست‌وجوی پدر خود از مادر، نشان پدر می‌یرسد. مشخص می‌شود که وی فرزند پلتن رستم است که نهنگ از دریای تیل در می‌آورد. جهان تا جهان پدید آمده، سواری چون او نیامده است. دل شیر دارد، تن ژنده پیل. این اوصاف بر اراده‌گرایی سهراب می‌افزاید و سودای سروری بر جهان را در سر می‌پروراند. در همین جاست که نیروی اهریمنی از بی‌تجربگی سهراب سود می‌برد تا به او مسیر غلط را بنمایاند یعنی جنگیدن با ایران‌زمین که سرزمین رستم است. مواجبه با ایران، رستم را به میدان خواهد کشید و عقابت نیز چنین می‌شود. رستم برای حفظ نظم موجود با وجود ناراحتی فراوان از سلطنت کیکاووس عازم کارزار می‌شود، چون ایران در خطر است. رستم محافظه‌کارتر از آن است که وارد کشاکش با فرزند شود. سهراب رفتار اراده‌گرایانه اما صادقانه از خود نشان می‌دهد، اما مصلحت‌حکم می‌کند که رستم حتی برخلاف اصول اخلاقی سهراب را بعد از کشتی گرفتن قربانی کند. در این اسطوره می‌توان رفتار سهراب رستم را در چند اصل خلاصه کرد و به قسمت سوم بپرداز رسید.

۱ – سهراب بی‌تجربه اما بااراده و پرتوان است.

۲ – سهراب به جای آمدن به ایران برای جست‌وجوی پدر، با سپاه به ایران می‌آید و به عبارتی وجه اشتراکی برای می‌شود. در حالی که نمی‌داند که پدرش به خاطر وطن، فرزند خود را قربانی می‌کند.

۳ – سهراب نمی‌داند که پهلوانی با حکمرانی فرق دارد و فر پهلوانی با فر حکمرانی متفاوت است. به عبارتی هر کسی را برای کاری ساخته‌اند. سهراب آیین نبرد می‌داند، اما بسیار عاطفی است و خدعه‌ه جنگ نمی‌داند و در تاکتیک اسیر رستم اکتون که گروه‌هایی از میان اصلاح طلبان شامل راست‌های میانه‌رو و چپ‌های سنتی خود را لیبرال‌دموکرات و سوسیال‌دموکرات خوانده‌اند، بیش از پیش آشکار است که صفت دموکرات بودن می‌تواند وجه اشتراکی برای اصلاح طلبان باشد، حتی اگر هیچ‌یک از این گروه‌ها عضو جبهه دموکراسی خواهی نباشند. این واقعیه بیش از هرچیز به ما کمک می‌کند تا دریابیم مهمترین مشخصه اصلاح طلبی «دموکرات بودن» آن است. اینکه آیا واقعاً همه اصلاح‌طلبان تاکنون به ملزومات دموکراسی پایبند بوده‌اند یا خیر بحث دیگری است. از اصلاح طلبان تا اصلاح طلبی فاصله است، همچنانکه در طول تاریخ همواره عقاید از صاحبانشان فاصله گرفته‌اند. بیشتر گروه‌هایی که خود را «اسلامی» می‌خوانند بیشتر «اسلامگرا» یا «اسلامیست» هستند تا «مسلمان». در مورد سوسیالیست‌ها و کمونیست‌ها نیز شاهد تاریخ به همین گونه روایت کرده‌است. با این حال روند تحول نیروهای اصلاح‌طلب به لطف جبر روزگار، افزایش آگاهی‌های عمومی و شرایط جهانی تا حدی به سمت اصلاح طلبی اصیل پیش رفته است. این بدان معنی است که پایبندی ایشان به دموکراسی طی سال‌های اخیر به طور نسبی بیشتر شده است.

نمایز اصلاح طلبان و اصلاح طلبی
اگر قصد تمایزگذاری میان اصلاح طلبان و اصلاح طلبی در میان باشند بدین جهت خواهد بود که اولاً منشی اصلاح طلبانه را مترواف با رفتار اصلاح طلبی دانند؛ و ثانیاً با تبیین مفاهیم نظری اصلاح طلبی اصیل، از یک سو مرزبندی آن را با محافظه‌کاری و از سوی دیگر با دموکرات‌های رادیکال آشکار کنیم. بی‌شک چنین تمایزگذاری مبنای رفتار اصلاح طلبان و منشی اصلاح طلبی یک «تمایز مثبت» خواهد بود؛ به این معنی که با هدف بررسی پیشرفت اصلاح طلبان به سمت استانداردهای دموکراتیک صورت می‌گیرد و تا حدی بر توسعه رفتار دموکراتیک و مدنی میان این گروه‌ها تاکید می‌کند. پس این تمایزگذاری با هدف ایجاد شکاف میان اصلاح طلبان به معنای تایید یکی و تکفیر دیگری نیست. در کنار این، یک هدف جانبی نیز وجود دارد که شاید به همان اندازه دارای اهمیت باشد: تمایزگذاری میان «مخالفان اصلاح طلبی» و «مخالفان اصلاح طلبان» است. اینگونه می‌توان آسان‌تر به تحلیل و نقد رفتار و ذهنیت رادیکال‌ها و مدافعین «انقلاب آرام» پرداخت. بسیاری از کسانی که در مخالفت با اصلاح طلبان به نقد عملکرد آنان در دولت و مجلس می‌پردازند پیشتر و حتی پیش از به قدرت رسیدن اصلاح طلبان در دوم خرداد ۷۶، مخالف «اصلاح طلبی» بوده‌اند؛ آنان اصلاح طلبان را به عنوان رقیب سیاسی خود در نظر می‌گیرند و طبیعتاً انتقاداتشان تنها یک «نقد متهمانه» جهت اصلاح نیست. با تمایزگذاری میان این دسته از افراد و افرادی که منشی اصلاح طلبی را قبول دارند اما با رفتار و عملکرد سیاسی اخیر اصلاح طلبان مخالفند، می‌توان آسان‌تر به جرایش نیروهای سیاسی و تحلیل مواضع آنان پرداخت. برای این کار به شاخصه‌های تئوریک برای تمایزگذاری نیاز است. حداقل در واقعیت مهم در بعد ذهنی از می‌توان برای کار تشخیص داده که به کمک آنها شفاف‌سازی روزه‌ای میان اصلاح طلبان و محافظه کاران و



در حاشیه مباحثات و منازعات رادیکال‌ها و میانه‌روها برای گذار به دموکراسی

پسرکشی یا پدرکشی

تقی رحمانی

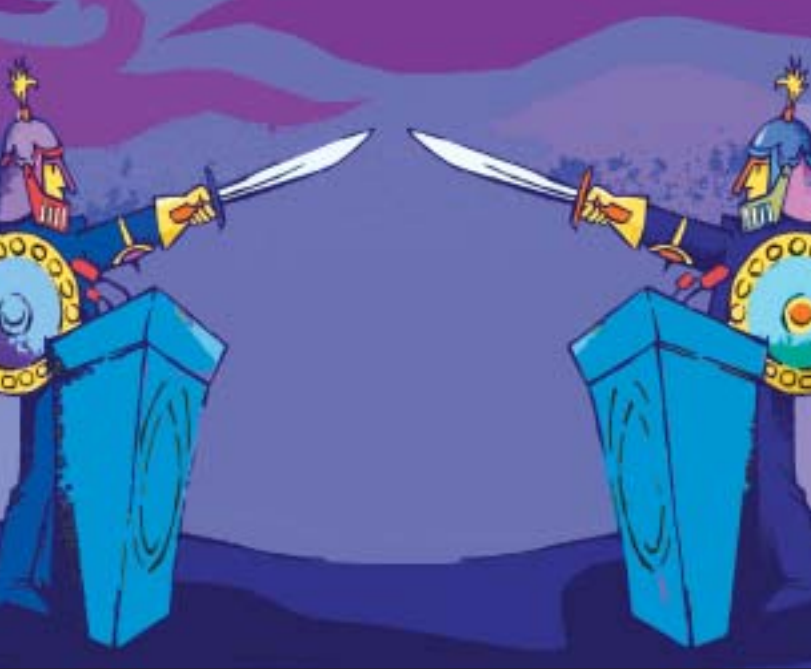
می‌شود، این نشان‌دهنده ویژگی رادیکالیسم جوان است. اما داستان رستم متفاوت است:

۱ – رستم باتجربه و محتاط است و حتی از توان خود آگاه است.

۲ – رستم حافظ نظم موجود است، اگرچه با کیکاووس اختلاف دارد، اما به جایگاه اجتماعی – سیاسی خود واقف است و امکان نقد پادشاه را دارد، اما جاننشینی وی را متصور نیست. او به یاد دارد که پدران وی در بحران تعیین جانشین وسوسه نشدند و با شاه شدن پهلوان‌ناخ مخالف بودند. این دو دیدگاه در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند و نتیجه آن برخلاف یونان پدرکشی نیست، بلکه پسرکشی است. اما نکته مهم این است که در این جدال پسرکشی، پدر برنده نیست. بلکه ناپذیری‌ها قدرتمند جلوه می‌کنند و برنده این جدال خواهند بود. افراسیاب و کیکاووس در حقیقت دشمن یکدیگر هستند و از پیوند اراده و قدرت سهراب و تجربه رستم سود نخواهند برد، اما متأسفانه اراده و توان سهراب با تجربه و اعتبار رستم راه گفت‌وگوی با هم را نمی‌یابد.

■ تاریخ معاصر با توجه به اسطوره رستم و سهراب

تاریخ صدها سال مدعی تجربه اسطوره رستم و سهراب است. در مقاطعی مختلف پسران عجول در مخالفت با پدران محافظه‌کار خود، به ناپذیری‌ها روی آورده‌اند که در عمل افراسیاب یا کیکاووس گزوه بودند. به زبان سیاسی در مقاطع تاریخی نیروهای میانه‌رو و رادیکال طبقه متوسط که باید باتیان تحقق دموکراسی باشند، با جدال و کشمکش‌های داخلی یا عدم کمک به یکدیگر آب به آسیاب نیروهای قبل از دموکراسی یا غیردموکرات ریخته‌اند. این واقعیت غم‌انگیز بارها در جامعه ما تکرار شده، اما می‌باید از وقوع آن به نفع تحقق دموکراسی



در حاشیه مباحثات و منازعات رادیکال‌ها و میانه‌روها برای گذار به دموکراسی

سایوش را می‌گیرد و به خودکامگی افراسیاب و کیکاووس با شیوه‌های مختلف پایان می‌دهد. عناصر بنیادینی در این اسطوره وجود دارد که آن را با اسطوره رستم و سهراب متفاوت می‌کند.

۱ – اصلاح ساختار دولت و دربار کیانی با تغییر حاکم از کیکاووس به کیکسرو

۲ – همراهی ایرانیان در مخالفت با

افراسیاب و تورانیان

۳ – دادگری حاکم جدید در درون جامعه، در حالی که کیکاووس خودخواه، بلندپرواز و ظالم بود اما کیکسرو چنین نبود و رعیت‌پرور و عدالت‌گستر بود.

۴ – کیکسرو مشورت‌پذیر از بزرگان، صاحب دانش و خرد و... است.

۵ – رستم و پهلوانان و دیگران به دنبال آن نیستند که حاکم شوند، بلکه به دنبال این هستند که حکومت خوب داشته باشند و از کیکسرو حمایت می‌کنند. با چنین دیدی با نقد تاریخ معاصر مشخص می‌شود که طبقه متوسط که بانی دموکراسی در ایران است در دو لایه کلان دموکرات، آزادیخواه نیاز به توافق اصولی برای تحقق دموکراسی دارد. توافق اصولی که در تاریخ معاصر کمتر به آن دست یافته است. این توافق اصولی می‌باید با درایت و راهبردی مشترک همراه گردد که به دستاوردملوس منجر شود. این درایت حکم می‌کند که دموکرات‌ها که رادیکال‌ها هستند، باور کنند که به دلایل گوناگون داخلی و خارجی نباید سودای تسخیر کامل دولت را داشته باشند. این سودا باعث حذف آنان از صحنه اجتماعی و ضربه به دموکراسی خواهد شد. آزادیخواهان میانه‌رو باید بدانند که محافظه‌کاری بیش از حد که از تجربه پرهیز

برخی خیزش سبب دور شدن از متحدان واقعی‌شان می‌شود هراس از رادیکالیسم و جریانات دموکرات، اگر نیروی میانه‌رو را به سوی محافظه‌کاران بکشاند، نیروهای افراطی مخالف دموکراسی حاکم بر میدان سیاست خواهند شد. از همین روی میانه‌روها نباید تقصیر را به گردن دموکرات‌ها و رادیکال‌ها بیاورند، بلکه می‌باید نقش خود را در ایجاد افراط و تفریط در جامعه مورد ارزیابی قرار دهند. در سایه تفاهم آزادیخواهان و دموکرات‌های رادیکال است که می‌توان به اهداف مشترک رسید و به راهبرد واحد برای تحقق اهداف نائل آمد. پذیرش این سه اصل بنیادین که نیاز جامعه‌ماست یعنی ۱- تحقق دولت – ملت مدرن است. ۲- در دولت – ملت مدرن شهروندان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن دارند. ۳- دولت قادرند عرصه تحقیق قراینن است و حوزه عمومی حکم عرصه ایده و اپنلژدولری داشته باشد، که می‌تواند مورد توافق همگان قرار بگیرد. آنگاه این درایت و توافق حکم می‌کند که نیروهای طرفدار دموکراسی با گرایش میانه‌رو و رادیکال بر توافق دولت – ملت مدرن متمرکز شوند. در سایه این توافق می‌توان امیدوار بود که در جامعه حوزه‌های رادیکال دموکرات و لیبرال به وجود آید و بر ساختار قدرت نیز تاثیر قانوتمند بگذارد. به عبارتی با حضور میانه‌روها در قدرت، امکان تأسیس حزب وجود دارد. اما محافظه‌کاران سنتی و افراطی چنین اجزای را به رادیکال‌ها نمی‌دهند. اسطوره رستم و سهراب را باید در این مورد کنار گذاشت و به اسطوره کیکسرو گرایش یافت. چنین امری محقق نمی‌شود مگر اینکه آزادیخواهان، رادیکال‌ها و دموکرات‌ها به خوشتن تاریخ گذشته به قصد نقد خود اقدام کنند و با بزرگه‌های مهم در فضای مناسب با همکاری اصولی با یکدیگر راه پرپیچ و خم و سنگلاخ دموکراسی‌خواهی را هموار کنند.

مشروطه‌خواهی با اصلاح طلبی یکی می‌شود. آن مشروطه‌خواهی که اصلاح طلبان از آن سخن می‌گویند در حقیقت یک فرم ثابت و همیشگی نیست. قالبی است که وضعیت نسبی و سیال دارد. حمایت خود از فرم کنونی را مشروط به محتوای نسبی (و رو به پیشرفت) دموکراتیک آن می‌کند و البته برای استقرار یک فرم ایده‌آل نیز درگیر تغییرات سریع و پرهزینه نمی‌شود. این یعنی عدم ماجراجویی در طرح هرگونه فرم جدید و طبعان علیه هرگونه ذهنیت فرمالیستی؛ از چه از نوع محافظه‌کارانه و چه از نوع رادیکال. نقش ایده‌آل‌ها و آرزوها بر صفحه سفید بسیار لذت بخش است. این کار را تقریباً تمام جوانان سیاسی پرشور حداقل یک بار در عمر خود تجربه کرده‌اند. درواقع از عهده هرکسی بر می‌آید که وضعی جدید بر اساس ایده‌آل‌های ذهنی و تئوریک خود ترسیم کند و سپس در قالب یک قهرمان اسطوره‌ای برای مردم قرائت کند. اگر به دنبال شواهدی از مخالفت با فرمالیسم در طول تاریخ بگردیم شاید بتوانان نمونه‌های زیادی از این دست یافت و ایده‌ای نیمه‌پخته نیز در نقد آرای شریعتی به این موضوع اشاره دارد که وی توانست میان اعتقادات اصلاح طلبانه خود و فرمالیسم انقلابی تفکیک قائل شود و با حداقل اولویت زمانی مشخصی ارائه کند. از سوی سبیل فرهنگسازی، خودشناسی و بازگشت به خویشن بود و موفقیت انقلاب سیاسی را مشروط به وقوع انقلابی فرهنگی می‌دانست، از سوی دیگر سبیل انقلابی تمام عیار شد که فروریختن تمام مرزها، فرم‌ها و قالب‌ها لحظه‌ای درنگ نکرد و مکتوبی برای فرهنگ‌سازی قائل نشد.

■ نتیجه‌گیری

کسانی که از بیرون حاکمیت روند تحولات دموکراتیک در ایران را رصد می‌کنند، معیارها و شاخص‌های عینی و قابل اندازه‌ای برای تعیین درصد پیشرفت اصلاح طلبان به سوی اصلاح طلبان داخل حکومت تاریخی را می‌دانند. مثلاً استانداردهای دموکراتیک و اصلاح طلبی اصیل دارند. اما می‌توانند تشخیص دهند که دفاع از یک زندانی سیاسی و یا از یک حزب مخالف، یک دفاع دموکراتیک بوده است و یا یک تبلیغات انتخابتی. این تشخیص‌ها را به تدریج بر روی این‌باشته شده و صحت‌های تاریخی را شکل می‌دهند. برخی از اصلاح طلبان داخل حکومت سیرری طولانی از محافظه‌کار تا رادیکالیسم را به سرعت و یک شبه طی کردند بدون آنکه متوقف در میانه راه و در آستانه‌گاه اصلاح طلبی داشته باشند. این لزوماً به معنای غی شدن از دموکراسی نیست و شاید در بند فرمی دیگر با قالبی سخت افتاده باشند که تضمینی برای دموکراسی در عمل ندارد. درگیری ایشان بر سر فرم با محافظه‌کاران حتی شاید کار را به جاهای واریک و بسیار پرهزینه‌ر به ضرر منافع ملی بکشاند. برخی دیگر از اصلاح طلبان با حرکتی بسیار آرام و تدریجی از آستانه‌گاه محافظه‌کاری حرکت کرده و در مسیری به سمت اصلاح طلبی اصیل گام بر می‌دارند و شاید به مقصد برسند و شاید نیز از میانه راه محافظه‌کاران اصلاح طلب اصیل اما جابجایی مطمئن با مرزهای شفاف دارند. در فرم قدیم برخی سبب نیستند و نظریه و تاکتیک‌هایشان در پی تحمیل روح دموکراسی در فرم کنونی است. ایشان مشروطه‌خواهانی با قدمت صدهاساله اند که با ماجراجویی‌های خود هزینه‌های گزاف را بر کشور تحمیل می‌نمایند.

سال سوم ■ شماره ۸۳۶ *شرق*

یادداشت

مبارزه با مفاسد اقتصادی از شعار تا عمل

ولی‌الله شجاع پوریان

«طرح صیانت جامعه در برابر مفاسد اقتصادی» که در گزارش کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس به «طرح رسیدگی به دارایی مقامات، مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران» تغییر یافته بود، در کمال ناپاوری به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسید. به‌رغم رویکرد عدالت‌محور جمهوری اسلامی و مبارزه با کثاکثر و ثروت‌اندوزهای نامشروع و تعبیه اصول مختلفی در قانون اساسی برای صیانت از حقوق مردم و رفع تبعیضات ناروا و توزیع امکانات عادلانه، پس از پایان دفاع مقدس، عده‌ای با سوءاستفاده از موقعیت‌های سیاسی، مناصب دولتی و رانت‌زدگی به قدرت، به ثروت‌های یادآورده دست یافتند که با صدها سال فعالیت سالم اقتصادی چنین امکانی برای آنان فراهم نمی‌شد و روزبه‌روز شکاف اقتصادی طبقاتی در جامعه افزایش یافته است به نحوی که امروزه شاید به تقریب حدود ۹۰ درصد دارایی‌ها و سرمایه‌های کشور در اختیار ده درصد قرار دارد و در حالی‌که برخی امکانات و سرمایه‌های افسانه‌ای دارند، عده‌ای در حسرت نان شب و قوت لایموت خود هستند و پدیده شومی به نام «مفاسد اقتصادی» در جامعه تکوین یافت. هر چند غالب مدیران و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی با سلامت مالی زندگی خود را وقف خدمت به کشور و مردم کرده‌اند ولی نمی‌توان کتمان کرد برخی از آنان و نزدیکان و اقارب دست اول از تیراند کشور با سوءاستفاده از موقعیت خود به آسودگی مالی و فساد اقتصادی رو می‌آورند که انتظار می‌رفت برای رعایت حقوق مردم و رفیق و بی‌امانی با پدیده مفاسد اقتصادی به ویژه در میان مدیران حکومتی اعمال می‌شد ولی با تأسف تاکنون به‌رغم تأکیدات چندباره رهبری انقلاب و تشکیل ستادها و جلسات، دستاورد بزرگ به دست نیامده است که بخش زیادی به ساختار معیوب اقتصادی کشور برمی‌گردد که نیاز به تحول اساسی دارد. علاوه بر آن تاکنون با بحث مبارزه با مفاسد اقتصادی، برخورد سیاسی شده است و برای تسویه حساب‌های سیاسی و خطی هرازگاهی این داستان مرور و بزرگ شده و عده‌ای بی‌حیثیت شده‌اند که حواشی پرونده جزایری و تبلیغات و ورود صداوسیما نمونه بارز آن است. خوشبختانه اصلاح طلبان همیشه از مقوله مبارزه با مفاسد اقتصادی استقبال می‌کردند و تنها با استفاده ابزاری و سیاسی کردن آن و نامن کردن فضای فعالیت سالم اقتصادی و سرمایه‌گذاری مخالف پره‌داند. این رو «طرح رسیدگی به دارایی مقامات، مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی» که می‌توانست سازوکاری را برای تعیین دقیق وضعیت دارایی‌ها و فعالیت‌های خصوصی مسئولان اقتصادی و رفیع‌ت‌های و لشکری فراهم کند و عدم تصویب آن در مجلس بود و همه نمایندگان عضو فراکسیون اقلیت مجلس با آگاهی به آن رای مثبت دادند و عدم تصویب آن، در مجلس شورای اسلامی، تناقض میان گفتار و رفتار، ادعا و عملکرد را به خوبی نشان داده است.

خبرها

انتقاد معاون فرهنگی وزیر علوم از دفتر تحکیم

ایسنا: محمداق‌قر خورشید معاون فرهنگی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری در حاشیه نشست سراسری جامعه اسلامی دانشجویان در شیراز در خصوص وضعیت انتخبات دانشجویان دانشجویان گفت: «به نظر می‌رسد اختلافات درون انجمن‌های اسلامی به تدریج تشدید خواهد شد. نه اینکه اراده خاصی بر تشدید اختلافات وجود داشته باشد، بلکه نمود چیزی است که در بیرون از دانشگاه در حال وقوع است.» وی گفت: «ریکدر وزارت علوم برای مجموعه شکل‌های دانشجویی فعال‌سازی و پویایی برای حضور در عرصه سیاسی دانشگاه‌ها است و البته رویکرد اصلی این است که این سیاست، سیاست‌ورزی باشد و بی‌سیاست‌بازی. بنابراین خود را می‌ر این سیاست‌بده که شکل‌های دانشجویی بتوانند آگاهی سیاسی و قدرت تحلیل خود را بالا ببرند.» خورشید یادآور شد: «دفتر تحکیم وحدت بخشی از جریان اصلاحات بود. به عبارت دیگر، تعدادی از آنان طرفدار اصلاح طلبان بوده و تعدادی دیگر از اصلاحات طرفدارانی نمی‌کردند که دو طیف شیراز و علامه ایجاد شد ولی طیف اصلاح طلب در بیرون از دانشگاه دچار چندستگی و تشتت است که گونه‌ای که گروهی خود را سوسیال‌دموکرات و گروهی خود را لیبرال‌دموکرات معرفی می‌کنند. من معتقدم اینها سوسیال‌دموکرات و لیبرال‌دموکرات خالص نیستند بلکه هستند که البته سوسیال‌دموکرات و لیبرال‌دموکرات‌هایسلاسلگرا درون اصلاح طلبان در دفتر تحکیم وحدت قابل مشاهده‌اند. این یک پدیده طبیعی است به این معنی که دفتر تحکیم وحدت از برادر بزرگتر خود تبعیت می‌کند.»

دیدار طلاب حوزه علمیه قم با آیت الله مهدوی کنی

ایسنا: آیت‌الله مهدوی‌کنی روز سه‌شنبه در دیدار گروهی از مبلغان حوزه علمیه قم در دانشگاه امام صادق(ع) تهران گفت: در صورت تغییر احتمالی کابینه از رئیس‌جمهور انتظاری نخواهیم داشت، عمل عقیده کابیه «به هر جهت در تغییر کابینه، اشخاص جدیدی که روی کار خواهند آمد، قطعاً بهتر از کسانی که امروز هستند نخواهند بود. چنانچه شاهدیم، دولت جدید حتی به کارشناسان حامی خود نیز توجه نمی‌کند، به طیف محافظه‌کار و اصلاح‌گرا کارشناسان هستند که ندارند، لذا جایی برای بیان انتقارات ما باقی نمی‌ماند. طبیعتاً رئیس‌جمهور براساس همان سیاست‌هایی که از آغاز تصمیم گرفتند، عمل خواهد کرد.»

در تغییر کابینه انتظاری نداریم

ایسنا: هادی قابل عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت، با بیان اینکه در صورت تغییر احتمالی کابینه از رئیس‌جمهور انتظاری نخواهیم داشت، عمل عقیده کابیه «به هر جهت در تغییر کابینه، اشخاص جدیدی که روی کار خواهند آمد، قطعاً بهتر از کسانی که امروز هستند نخواهند بود. چنانچه شاهدیم، دولت جدید حتی به کارشناسان حامی خود نیز توجه نمی‌کند، به طیف محافظه‌کار و اصلاح‌گرا کارشناسان هستند که ندارند، لذا جایی برای بیان انتقارات ما باقی نمی‌ماند. طبیعتاً رئیس‌جمهور براساس همان سیاست‌هایی که از آغاز تصمیم گرفتند، عمل خواهد کرد.»

حکم دانشجوی پزشکی دانشگاه

ایسنا: محمد سعید زاده وکیل مدافع پزشکی دانشگاه بزرگ اظهار داشت که یک روز کمولاش از سوی دادگاه تجدیدنظر استان یزد به ۱۰۰ هزار تومان جزای نقدی تعلیقی محکوم شد. وی همچنین گفت: حکم شعبه متهم دادگاه تجدیدنظر استان در درباریه این اسحقی صادر و به بنده ابلاغ شد که براساس آن، حکم ۹۱ روز حبس تعلیقی موکلم به ۱۰۰ هزار تومان جزای نقدی تعلیقی تبدیل شد.